

# تربیت به سبک پروردگار



متریبان و دانش‌آموزان خود تسهیل می‌کند.

## تفاوت تربیت با «ریخته‌گری»

از تعریف تربیت و هدف آن که همان رشد و کمال استعدادها درونی در وجهی اختیاری است، روشن می‌شود که تربیت با «ریخته‌گری» تفاوت دارد؛ ریخته‌گری شکل‌دهی به چیزی است که خود آن در شکل‌گیری اش دخالت اختیاری ندارد، اما تربیت شکل‌گیری اختیاری، آگاهانه و مشتاقانه انسان برای ظهور استعدادها درونی و فعلیت یافتن آن‌هاست. اگر ما فرزندان و شاگردان خود را در مسیر استعدادها اصیل و خدادادی‌شان قرار دهیم و به «تفاوت‌های فردی» آنان نیز توجه داشته باشیم، اول اینکه تعلیم‌وتربیت در معنای واقعی آن تحقق می‌یابد و دوم اینکه این تعلیم‌وتربیت از سهولت و سلامتی بیشتری برخوردار می‌شود و نتایج پربار و ماندگاری را در پی خواهد داشت.

متأسفانه برخی از معلمان و مربیان دوست دارند شاگردان را در «قالبی» که خود دوست دارند «بریزند». به استعدادها ویژه‌ای که خداوند در وجود هر یک از آنان قرار داده است توجه ندارند و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه نابجا می‌کنند و مشکلات درونی و شکست‌های بیرونی را در زندگی آنان سبب می‌شوند.

## محور تعلیم‌وتربیت چه کسی است؟

برخی از ما می‌خواهیم کمبودها و

## «رشد»، محور تعلیم‌وتربیت

در «بسم الله الرحمن الرحیم»، در کنار اسم جامع و جلاله «الله»، دو اسم «رحمن» و «رحیم» آمده و دیگر اسمای خداوند ذکر نشده است. آمدن این دو اسم که هر دو از ماده «رحمت» و مفید تأکید هستند، اعلان این نکته بسیار مهم و کلیدی است که برترین صفت الهی که در آفرینش جهان و نیز در نزول قرآن نقش محوری دارد، صفت رحمت و خیررسانی خداوند است.

پیام مهم این اعلان عمومی رحمت در آغاز سوره حمد و دیگر سوره‌های قرآن آن است که مؤمنان و دین‌داران نیز باید این اصل اساسی را محور زندگی و دین‌داری خود قرار دهند و در همه ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی زندگی خود توجه ویژه‌ای بدان داشته باشند و بلکه مظهري برای این صفت الهی در آفرینش باشند.

«رحمت» به معنای «اعطا و بخشیدن به دیگری برای رساندن او به رشد و کمال» (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۱) است و این همان هدفی است که پیامبران الهی به دنبال آن بودند و تعلیم‌وتربیت دینی هم هدفی جز این ندارد.

«تربیت دینی» عبارت است از «مهیا کردن شرایط مناسب رشد و شکوفایی هماهنگ استعدادها درونی متریبان و به کمال رساندن آن‌ها براساس طرح الهی<sup>۱</sup>». نقش معلم و مربی در تربیت دینی نقشی خلافتی است؛ یعنی او به قدر توان و ظرفیت خود، واسطه ربوبیت خداوند و مظهر رحمانیت و رحیمیت او می‌گردد و مسیر رشد و کمال را برای

شکست‌ها و آرزوهای تحقق نیافته خود را در شخصیت فرزندان یا شاگردانمان جبران کنیم؛ برخی از ما به دنبال ارضای احساس قدرت و سلطه‌گری خود هستیم و شاگردان یا فرزندان خود را از حرکت در مسیر طبیعی رشدشان محروم می‌کنیم. برخی دیگر روش تعلیم‌وتربیت خود را «همرنگ با جماعت» می‌کنند و به دلیل ترس از حرف و حدیث‌های دیگران، از خلاقیت‌ها و نوآوری‌های ارزشمند دور می‌شوند.

هیچ‌یک از این‌گرایش‌ها و روش‌های نادرست را نمی‌توان تعلیم‌وتربیت دینی یا حتی تعلیم‌وتربیت انسانی نامید، چرا که این‌گونه از عملکردها، چه از نظر شیوه و روش و چه از نظر قصد و انگیزه، انسانی و الهی نیستند. این رفتارها و روش‌های ناسنجیده و غیرعالمانه سبب سردرگمی و جریان ناخودآگاه کودکان و نوجوانان در مسیر نادرست می‌شوند و در نهایت نیز بدبختی و موفق نشدن آنان را در زندگی در پی دارند.

## معلمان و افراط و تفریط در محبت

البته باید توجه داشته باشیم، محور بودن رحمت در تربیت به معنای افراط



شکوفاسازی استعدادهای درونی است و استعدادهای انسانی نیز با «اختیار و آزادی» رشد می‌کنند و به شکوفایی می‌رسند، «تنبیه» را نمی‌توان عاملی اصلی در تربیت دانست، اما از سوی دیگر خود می‌دانیم که اگر تنبیه در کار نباشد و تنها از محبت و تشویق استفاده کنیم، امر تعلیم و تربیت به سامان مطلوب نمی‌رسد. پس راه چاره چیست و چگونه می‌توان تنبیه را در نظام تعلیم و تربیت جای داد؟ استاد مطهری که به حق می‌توان او را نمونه‌ای جامع از صفات معلمی دانست و به همین سبب نیز روز شهادت ایشان را «روز معلم» قرار داده‌اند، در تبیین دقیق این موضوع، ترساندن و تنبیه را از ارکان و عناصر اصلی تربیت نمی‌داند (به همان دلیلی که در بالا آوردیم)، ولی آن را از لوازم تربیت می‌داند که در هنگام طغیان و عصیان یک فرد به کار می‌آید (مطهری، سال ۱۳۷۳: ۴۷-۴۴). زمانی که نوجوان از حالت طبیعی خود خارج می‌شود و طغیان و تمرد می‌کند، نه پذیرای «منطق» است و نه زبان «محبت» را می‌فهمد. در واقع، او از صفات انسانی و فطری خود فاصله گرفته و یا به طور موقت از میدان اثرگذاری آن‌ها خارج و در این زمان است که نیازمند تنبیه مناسب و سنجیده است تا به حالت طبیعی خود بازگردد و روند رشد و کمال خود را دوباره و به صورت اختیاری در پیش گیرد. ■

#### پی‌نوشت‌ها

۱. «طرح تربیت دینی» در آیات گوناگون قرآن کریم ارائه شده و بر مبنای انسان‌شناختی ویژه قرآن کریم مبتنی است. در احادیث معصومان (ع) نیز تشریح و بسط یافته و نیازمند استخراج روشمند و نظام‌وار است. این تفسیر، به مدد الهی، در صدد تحصیل و تدوین آن است.
۲. این تعریف مبتنی بر استاد **مطهری** از «تربیت» مبتنی است (ر.ک: تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۲).
۳. نهج البلاغه، خطبه متقین.

#### منابع

۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی
۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیست‌وسوم، تهران: صدرا

به خرج می‌دهد، در اداره کلاس ناتوان است و در چشم دانش‌آموزان خود ارزش زیادی نخواهد داشت. از سوی دیگر، معلمانی که اقتدارگرا هستند و برای مدیریت و تأثیرگذاری بیشتر بر دانش‌آموزان، فضایی خشن را بر کلاس حاکم می‌کنند، نمی‌توانند با دانش‌آموزان خود رابطه‌ای صمیمی و دوستانه داشته و تأثیرات تربیتی مناسبی بر آن‌ها داشته باشند.

امیرمؤمنان (ع) در خطبه متقین، در وصف مؤمنان راستین و انسان‌های با تقوا، آنان را به داشتن دو ویژگی «قوت» و «ترمی» توصیف می‌فرماید: «و قوتا فی لین»<sup>۳</sup>. این فرمایش حکیمانه و دیگر بیانات دینی در این زمینه، نشانگر آن است که برای رسیدن به کمال انسانی و موفقیت‌های زندگی و عزتمندی اجتماعی، ما و فرزندانمان، علاوه بر بهره‌مندی از صفاتی مانند محبت و لطافت و انعطاف، نیازمند برخورداری از صفاتی مانند استحکام و استقامت و اقتدار هستیم.

← **جایگاه تنبیه و ترس در تربیت دینی**  
از آنجا که «تربیت» به معنای

در محبت به شاگردان نیست، زیرا همان‌طور که در تعریف «رحمت» گذشت، رحمت به معنای خیررسانی و تأمین نیازمندی‌های بندگان برای رسیدن آنان به کمال شایسته خود است و به همین دلیل، افراط در محبت به شاگردان را نمی‌توان از مصداق‌های رحمت و خیررسانی یا از عناصر تربیت دینی دانست، چرا که این رفتار افراطی سبب کمال دانش‌آموزان نمی‌شود و بلکه آنان را از کمال انسانی و متوازن خود دور می‌سازد.

کمال متوازن درونی و نیز موفقیت در زندگی اجتماعی، علاوه بر محبت‌ورزی و لطافت، نیازمند شکوفا شدن صفاتی مانند «اقتدار و استحکام ارادی» و «استقامت و صبوری» است و این صفات در بستر وابستگی‌های افراطی عاطفی یا راه و بهره‌مندی‌های زیاده‌خواهانه شکوفا نمی‌شود.

تعادل در مهرورزی و خدمت به دیگران و تأمین نیازهای آنان، امری کمیاب است و متأسفانه بیشتر ما یا به افراط و زیاده‌روی مبتلا هستیم یا گرفتار تفریط و کوتاهی. معلمی که بیش از حد به دانش‌آموزان خود محبت می‌کند و نرمی